**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ظنون**

**حجیت ظنون**

**حجیت ظواهر**

**قول اللغوی منشأً للظهور التصوری أم لا؟**

**جلسه شست و دوم\_ یک­شنبه 13 اسفند 1396**

بحث در حجیت قول لغوی بود، چنان­که ملاحظه فرمودید، گروهی از راه خبرویت لغوی وارد شده­اند و قول او را حجت دانسته­اند که مورد اشکال وارد شد از طرف مثل مرحوم آخوند و من تبعه.

عده­ایی از راه اجماع پیش آمدند، عده­ایی هم بحث انسداد باب علم به معنای لغات پیش آمدند و همۀ این­ها مورد تأمّل و نظر واقع شد.

ما در جلسۀ گذشته گفتیم تا پرسش­هایی پاسخ صحیح خودش را نگیرد، جایگاه واقعی این بحث مهم روشن نخواهد شد. این بحث فقط در فقط تاثیر ندارد، شما در تفسیر می­خواهید لغتی را معنا کنید، چه در قرآن و چه در روایات. بالاخره در تمام علومی که با متونی سر و کار دارید و واژه­هایی را می­خواهید معنا کنید، این بحث اساسی باید مطرح شود که چرا به قول لغوی مراجعه می­کنید؟

سوال اولی که مطرح کردید این بود که آیا مراد قوم از کلمۀ حجیت چیست؟ آیا مراد حجیت تعبدی است یعنی چون او را صاحب نظر می­دانید، صحبتش را بپذیر تا علم به خلافش پیدا نکردی حرف­اش مدرک است برای تو؟ یا مراد شهادت است و اگر هم شهادت بود، طبیعتا شرائط شاهد باید لحاظ شود، عدالت شاهد عن حس بود شهادت، در بعضی موارد تعدد. این سوال اولی بود که مطرح کردیم بگذاریم سوال اول را با یک سوال دیگر معنا کنم و ان این که آیا بهتر نیست که اصلا عنوان بحث را عوض کنیم و از این کلمۀ حجیت قول لغوی بپرهیزیم تا به بحث و اشکال نیانجامد یا همین عنوان عنوان خوبی است؟

نسبت به عنوان بحث من بهتر این می­بینم که بگوییم هل یکون قول اللغوی منشأً للظهور التصوری؟

از همین اخر جمله معنای می­کنم. ما بارها گفته­ایم یک ظهور تصوری داریم و یک ظهور تصدیقی داریم و تصدیقی هم اولی و ثانوی. مراد از ظهور تصوری این است که اگر این لفظ گفته شود، حتی گوینده عاقل باشعور هم نباشد، شما از شنیدن این لفظ منتقل به اون معنا می­شوید، چه فقیه و چه مفسر، هر آن کس که بخواهد یک متنی را بفهمد، باید واژه­ها را ابتداء از طریق ظهور تصوری تفسیر بکند. بگونه­ایی که اگر این لفظ را یک طوطی هم بگوید این معنا به ذهن انسان خطور کند. ان اولین مرحله منشاء ظهور تصوری برای ما چیست؟ آیا قول لغوی می­تواند ظهور تصوری بسازد یا نه؟

ظهور تصوری وقتی است که:

1. شما عالم باشی شخصا به وضع. دیده­ایی فرزندی توسط پدرش نامش شد احمد، حال هر وقت از این پدر کلمۀ احمد می­شنوی ذهنتان به آن پسر منتقل می­شود یا فرض می­کنید در فرهنگشتان لغت نشسته بودید که گفتند وضعنا هذا اللفظ بازای هذا المعنا. علم به وضع که پیدا شد آن انتقال ذهنی خود به خود پیدا می­شود.
2. علم به کثرت استعمال پیدا کنید که این لفظ درر این معنا کثرت استعمال دارد. طبیعتا آن انتقال اینجا هم خود به خود خواهد آمد و لو وضع اولی را ندانیم.

حال سوال در عنوان بحث این است که ما چگونه در ایات کریمه قرآن، چگونه در روایات آل الله علیهم السلام به آن ظهور تصوری برسیم، مناشئ رسیدن ما به ان ظهور تصوری چیست؟ آیا قول لغوی می­تواند؟ برای شما مفسر برای شما فقیه منشأ ظهور باشد، ظهوراً تصوریا تا بعد برسیم به مرحله ظهور تصدیقی و این ها که آن کار لغوی خارج است، ما فقط از لغوی همین را می خواهیم که آیا گفتار این لغوی می­تواند منشأ ظهور تصوری بشود یا نه؟

مراد آقایان هم از حجیت همین است منتها چون کلمۀ حجیت کاربردهای دیگری هم دارد، خوب واضح نیست مراد چیست؟ مراد این است که شما برای این که به ظهور تصوری برسید یعنی عالم به وضع بشوید یا عالم به کثرت استعمال بشوید آیا قول لغوی شما را در این راه کمک می­کند یا نه؟

پس نگوییم قول لغوی حجة ام لا؟

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**